

تحلیل علل جرایم اقتصادی ایران در پرتو نظریه‌های جرم‌شناسی اقتصادی

ایمان حطمی^۱بتول پاکزاد^۲مجتبی فرحبخش^۳حسن خسروی^۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۳/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۱

فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی ناجا / سال چهارم / شماره یازدهم - بهار ۱۳۹۸* ۹۱-۱۱۴

چکیده

اقتصاد رکن مهم هر کشور است. هریک از ارکان سیاسی، فرهنگی و علمی کشور به گونه‌ای به وضعیت اقتصادی وابسته است. در مقابل، جرایم اقتصادی مانع دستیابی دولت‌ها به اهداف ملی می‌شوند، جریان عمومی امور را به مخاطره می‌اندازند و به طور مستقیم امنیت کشورها را متأثر می‌کنند.

در ایران جرایم اقتصادی، به خصوص در سال‌های اخیر، اقتصاد کشور را بیشتر به چالش کشیده و به مرز بحران رسانده است. گسترش این جرایم نشانه عدم موفقیت در پیشگیری و حتی مبارزه با جرایم اقتصادی است. بنابراین به روش تحلیلی-توصیفی سعی شده است علل بروز جرایم اقتصادی، با در نظر گرفتن عوامل فردی مرتکبین و عوامل محیط داخلی و خارجی، شناسایی و با نظریه‌های جرم‌شناسی اقتصادی تطبیق داده شود تا زمینه برای پیشگیری اثربخش از این جرایم فراهم آید.

دستاوردهای تحقیق حاکی از آن است که عوامل فرهنگی، ساختار نظام اقتصادی، ضعف قوه مقننه در تدوین سیاست‌های کلان و ضعف سیاست‌های اجرایی قوه مجریه، همچنین برخورد ضعیف کیفری در سالیان متمادی از یک سو و عوامل خارجی مانند اعمال تحریم‌ها از سوی دیگر موجب ایجاد بستر و فرصت‌های جرم‌زا و گسترش جرایم اقتصادی در ایران شده است.

واژگان کلیدی

جرم اقتصادی، حکمرانی خوب، عوامل فرهنگی، ساختار نظام اقتصادی، جرم‌شناسی اقتصادی

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ایران i.hatami@chmail.ir

۲. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ایران (نویسنده مسئول) D.b.pakzad@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران mo.farahbakhsh@yahoo.com

۴. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران hkh.be82@yahoo.com

مقدمه

با شکل‌گیری اقتصاد و مقررات اقتصادی، جرایم اقتصادی نیز به وجود آمده است؛ زیرا در طول تاریخ همواره کسانی بوده‌اند که از راه برهم زدن نظم و نقض هنجارها، کسب منفعت کرده‌اند. اقتصاد همچون سایر ارکان اجتماعی ابتدا به صورت ساده و اولیه به وجود آمد و با گذشت زمان و افزایش دانش بشری، شکل پیچیده‌تری به خود گرفت. انقلاب صنعتی در نیمه دوم قرن هجده و نیمه اول قرن نوزده موجب شکل‌گیری اقتصاد تولیدی بر محور ساخت ماشین، استحصال انرژی و تولید انبوه کالاهای مصرفی مادی شد. سپس تحولات جدید در زمینه فناوری، اقتصاد جدیدی را بنیان نهاد که موضوع آن «اطلاعات» است و بدین ترتیب ماهیت جرایم اقتصادی روز به روز پیچیده‌تر شد. از سوی دیگر با برداشته شدن محدودیت در امکان ایجاد روابط فرامرزی و وجود امکانات وسیع جابه‌جایی اموال، فساد اداری و تبادلات گسترده اقتصادی از مجاری غیرقانونی، جرایم اقتصادی را به پدیده و چالش جهانی تبدیل کرد.

«جرایم اقتصادی بی‌تردید از نظام سیاسی و نظام اقتصادی هر جامعه که در واقع محیط اجتماعی عمومی هر کشور را تشکیل می‌دهند، متأثر می‌شود. به عبارت دیگر بین گونه و میزان جرایم اقتصادی و نظام اقتصادی حاکم رابطه مستقیم وجود دارد. در حقیقت جرایم اقتصادی ارتباط تنگاتنگ با قدرت سیاسی و نوع آن دارد؛ چنان که بزهکاری در ارتباط با چرخه‌های مختلف نظام اقتصادی (تولید، توزیع، حمل و نقل و...) و فضای کسب و کار، تغییر پیدا می‌کند» (گسن، ۱۳۹۳: ۱۵).

مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی «نظام اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است». بنابراین براساس قانون اساسی می‌توان نظام اقتصادی ایران را نوعی نظام مختلط دانست. اما آنچه در عمل اتفاق افتاده است، نشان‌دهنده آن است که نه تنها اقتصاد ما از نظام و سیاست خاصی تبعیت نمی‌کند، بلکه ضعف و عدم نظارت، موجب ایجاد فرصت‌های بسیار برای مجرمان بالفعل و تحریک مجرمان بالقوه شده است؛ در نتیجه شاهد گسترش جرایم اقتصادی طی سال‌های اخیر هستیم. آمارهای رسمی جرایم اقتصادی نیز بیانگر میزان وسیع این جرایم است.^۱

۱. وزیر دادگستری در جلسه علنی دوشنبه هفتم مرداد نود و هشت در مجلس شورای اسلامی گفت: از زمان تشکیل شعب دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرایم اخلاک‌گرایان اقتصادی در شهریور سال گذشته تا کنون (حدود ۱۰ ماه) ۲۴۲ فقره پرونده در شعب مبارزه با مفساد اقتصادی تشکیل شده است که ۹۶۱ نفر تحت تعقیب قرار گرفتند، ۲۶۰ نفر محکوم و سه نفر نیز تبرئه شدند. سایر پرونده‌ها نیز در مرحله تکمیل تحقیقات یا دادرسی در دادسرا یا دادگاه هستند (ایرنا، کد خبر ۸۳۴۱۶۶۷۱).

جرایم اقتصادی ضمن آسیب رساندن به نظام اقتصادی کشور و جلوگیری از پیشرفت و توسعه، موجب از دست رفتن اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی کشور می‌شود. بنابراین در این تحقیق سعی شده است با تحلیل علل بروز این جرایم در پرتو نظریه‌های جرم‌شناسی اقتصادی راه برای پیشگیری از این جرایم هموار شود.

این مقاله در سه بخش به تبیین موضوع می‌پردازد. بخش اول، به تشریح مفاهیم اختصاص یافته است. در بخش دوم، علل فردی و علل محیطی (داخلی و خارجی) جرایم اقتصادی و عوامل فرهنگی و ساختار اقتصادی بسترساز این جرایم، بر اساس تحقیقات انجام شده و نیز بررسی پرونده‌های اخیر، توصیف شده است. بخش آخر، عوامل بروز جرایم اقتصادی ایران را در پرتو نظریه‌های جرم‌شناسی اقتصادی تحلیل می‌کند.

مفاهیم

از آنجا که مفاهیم علمی باید قبل از استفاده به طور ذهنی قابل درک باشند تا فهم مشترکی ایجاد و مبنای بحث و تحلیل موضوع اصلی فراهم شود، در این بخش، مفاهیم کلیدی تحقیق در حد امکان تعریف و تشریح شده است.

۱. اقتصاد

اقتصاد^۱ در لغت به معنای میانه راه رفتن، میانه‌روی کردن، به اندازه خرج کردن، میانه‌روی در دخل و خرج و اساساً میانه روی در هر کار است (عمید، ۱۳۸۴: ۱۷۸). در معنای اصطلاحی برای اقتصاد تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. تعاریف اصطلاحی نیز از معنای لغوی دور نیست و بیشتر این اتفاق نظر وجود دارد که اقتصاد چگونگی رفتار صحیح در تولید، توزیع و مصرف است. از این رو گفته‌اند «اقتصاد علم مربوط به بررسی چگونگی تولید، توزیع و مصرف کالاها و همچنین علم مربوط به بررسی نتایج این‌گونه فعالیت‌هاست» (محتشم‌دولت‌شاهی، ۱۳۸۱: ۲۰). ارائه تعریفی جامع و دقیق از علم اقتصاد نیز مانند بسیاری از علوم، کار بسیار مشکلی است؛ ولی به نظر می‌رسد تعریفی نسبتاً جامع از آن چنین است: «علم اقتصاد عبارت است از مطالعه چگونگی انتخاب و روش به‌کارگیری منابع محدود (با یا بدون کمک پول)، به منظور تولید کالاهای مختلف و توزیع آنها برای مصرف حال و آینده بین گروه‌های اجتماعی»

1 . Economy

(آصف‌زاده، ۱۳۹۴: ۵). این تعریف تا حدودی گستردگی علم اقتصاد را نشان می‌دهد که فرایند تولید، توزیع و مصرف را بررسی می‌کند و بنابراین به طور فراگیر در تمام فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی نقش دارد.

امروزه هیچ کشوری را نمی‌توان یافت که خود را تابع نظام سرمایه‌داری^۱ بداند ولی برخی مقررات نظام سوسیالیستی^۲ بر آن حکمفرما نباشد و دولت هیچ دخالتی در اقتصاد نکند؛ چنان که هیچ کشوری وجود ندارد که تابع نظام سوسیالیستی باشد و مالکیت اشخاص و رقابت آزاد را به کلی ممنوع کرده باشد. پس بیشتر کشورها را باید تابع نظام اقتصادی مختلط^۳ دانست، هرچند ممکن است در برخی کشورها، جنبه سرمایه‌داری بودن نظام اقتصادی آنها بارزتر باشد و در برخی کشورها جنبه سوسیالیستی بودن نظام اقتصادی آنها پررنگ‌تر باشد.

۲. جرایم اقتصادی

چندین دهه است که موضوع تعریف جرایم اقتصادی در کشورهای مختلف، به خصوص در کشورهای توسعه‌یافته، موضوع بحث و نقد است و تعاریف مختلفی در این راستا ارائه شده است؛ اما ارائه تعریفی جامع و دقیق از جرایم اقتصادی در عمل با مشکلاتی مواجه است. یکی از علت‌های این امر، عام بودن لفظ اقتصاد است و به همین علت ارائه تعریفی از جرایم اقتصادی نیز دشوار است. اما به‌رغم این مسئله، بسیاری از صاحب‌نظران علم حقوق و جرم‌شناسی، تعاریف گوناگونی ارائه کرده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- یکی از نخستین تعاریف جرم اقتصادی را ادوین ساترلند ارائه کرد. او معتقد است جرم اقتصادی (که از نظر وی، جرم یقه‌سفیدان نامیده می‌شود) عبارت است از «فعالیت‌های غیر قانونی افراد محترم و دارای جایگاه اجتماعی بالا به مناسبت انجام فعالیت‌های حرفه‌ای» (گسن، ۱۳۹۳: ۱۳۰).

- «جرایم اقتصادی، جرایمی هستند که در قوانین مربوط به حمایت از فعالیت‌های اقتصادی آمده است، اعم از اینکه در قانون جرایم اقتصادی پیش‌بینی شده باشد یا در قوانین متفرقه‌ای که فعالیت‌های اقتصادی را تنظیم می‌کند» (زراعت، ۱۳۹۵: ۱۰).

- «جرمی که معمولاً در ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی ارتکاب می‌یابد و مرتکب با هدف

1 . Unplanned Economy

2 . Planned Economy

3 . Semi-planned Economy

- کسب مال یا تحصیل امتیاز غیرقانونی، مرتکب آن می‌شود و به این وسیله موجب وارد کردن آسیب به فعالیت‌های اقتصادی مشروع می‌شود» (بهره‌مند، ۱۳۹۷: ۵۷).
- «جرم اقتصادی به رفتار مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که نوعاً با انگیزه کسب سود یا امتیاز مادی ارتکاب می‌یابد و نتیجه بالقوه یا بالفعل آن اخلال در نظام اقتصادی (تولیدی، توزیعی، پولی و ارزی، گمرکی، مالیاتی، بانکی، حمل و نقل، حقوق مصرف‌کننده و...) است (توسلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۴).
- «جرایم اقتصادی به دسته‌ای از رفتارهای غیرقانونی گفته می‌شود که موضوع آنها امنیت اقتصادی در سطح کلان است» (نورزاد، ۱۳۸۹: ۴۵).
- «رفتار اشخاص حقیقی یا حقوقی که برای سیاست اجتماعی یا اقتصادی دولت، خطری را به وجود می‌آورد یا ضرر وارد می‌کند» (احمد انور، ۲۰۰۰: ۴۶).
- «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است و مخالف با سیاست اقتصادی دولتی خاص باشد» (عبود سراج، ۱۹۸۶: ۱۴).
- هر فعل یا ترک فعلی که ضد قواعد رقابت تجاری و تعیین قیمت‌ها صورت گیرد، جرم اقتصادی است» (محمود داود، ۲۰۰۱: ۲۰).
- «جرم اقتصادی اعمال غیر قانونی ارتکاب‌یافته در قلمرو فعالیت‌های حرفه‌ای به منظور کسب امتیازات اقتصادی است. تعریف همچنین شامل فرار از مالیات، اشکال مختلف تقلب و اختلاس در شرکت‌ها و مؤسسات قانونی است».
- جرایم اقتصادی اعمال ممنوعه‌ای هستند که به منافع اقتصادی مورد حمایت جامعه صدمه وارد می‌کنند یا آن را به خطر می‌اندازند.
- «جرم اقتصادی به طور اجتناب‌ناپذیری با فساد مرتبط است که البته صدمه مستقیم به سلامت حکومت و نهادهای آن است. ارتکاب بسیاری از اشکال جرم اقتصادی مستلزم سطوحی از فساد مقامات رسمی است».
- «جرم اقتصادی با فساد تداخل دارد، با این حال این دو در مفهوم با هم متفاوت هستند».
- «جرم اقتصادی رفتار مجرمانه‌ای است که موجب فساد حیات یا نظام اقتصادی و ایراد خسارت به آن می‌شود و منافع افراد و جامعه را به خطر می‌اندازد» (Lindgrensven, ۲۰۰۱: ۱۲۸).

از آنجا که این تحقیق قصد دارد با ارائه تعریف عملیاتی از «جرایم اقتصادی» مبنایی برای دسته‌بندی و پیشگیری از این جرایم به دست دهد، ترجیح بر این است که فراتر از مفهوم حقوقی جرم به جای تعریف در قالب حقوق کیفری و جرم‌انگاران، از دیدگاه جرم‌شناسی و سیاست جنایی به تعریف جرم اقتصادی بپردازد. بنابراین تعریف عملیاتی جرم اقتصادی در این تحقیق که از جامعیت لازم برخوردار باشد، عبارت است از: «جرم اقتصادی شامل هر پدیده جنایی می‌شود که از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی، غالباً ساختارمند، بدون خشونت و از طریق تزویر و فریب یا سوءاستفاده از موقعیت یا فرصت و با هدف کسب منفعت یا تحصیل امتیاز غیرقانونی علیه سیاست‌های اقتصادی یا فعالیت‌های اقتصادی ارتکاب می‌یابد و موضوع آن امنیت اقتصادی در سطح کلان است و نتیجه بالقوه یا بالفعل آن اخلال در نظام اقتصادی است.»

۳. تفاوت جرایم اقتصادی با جرایم مالی و جرایم علیه اموال

عنوان جرایم مالی ناظر بر جرایمی است که مرتبط با مال هستند اعم از اینکه مال موضوع جرم باشد یا وسیله آن. در کنار این عنوان، جرایم علیه اموال فقط ناظر بر رفتارهای مجرمانه ضد مال یا حق مالی است؛ به عبارت دیگر مال در جرایم علیه اموال موضوع جرم است، در حالی که جرایم مالی ناظر بر جرایم مرتبط با مال است، خواه مال نقش موضوع را داشته باشد مانند کلاهبرداری و سرقت و خواه مال نقش وسیله جرم را داشته باشد مانند ارتشا و ربا. در نگاه نخست، جرایم اقتصادی اخص از جرایم مالی است؛ زیرا هر یک از جرایم مالی اگر در سطح کلان رخ دهد و به امنیت اقتصادی لطمه وارد سازد، داخل در جرایم اقتصادی خواهد بود. به این ترتیب، کلاهبرداری که مال در آن موضوع جرم است اگر در سطح کلان یا علیه نهادهای دولتی انجام گیرد، یک جرم اقتصادی خواهد بود. همین‌طور در ارتشا که مال، وسیله است اگر مال الرشا درخور توجه باشد، زیر جرایم اقتصادی قرار خواهد گرفت.

اما چنانچه با دقت بیشتری به این موضوع بنگریم، متوجه خواهیم شد که از حیث گستردگی نمی‌توان گفت هر رفتاری که جرم مالی است، اگر به صورت کلان باشد، جرم اقتصادی خواهد بود. سرقت و تخریب هر اندازه که گسترده باشند و مکرر ارتکاب یابند، ارتباطی با جرایم اقتصادی برقرار نمی‌کنند مگر اینکه ناظر بر اموال دولتی باشند که آن هم جای تأمل دارد. همین‌طور در برخی جرایم که مال وسیله است نمی‌توان گفت جرم اقتصادی ارتکاب یافته است. در جرایم اقتصادی، موضوع جرم فراتر از مال است و از این منظر، از عنوان

جرایم مالی و علیه اموال فاصله می‌گیرد. اگر به پیوند جرایم اقتصادی با امنیت اقتصادی توجه شود، در این حال تنها مال، موضوع یا وسیله جرایم اقتصادی نیست، بلکه هر رفتاری که نظام اقتصادی را مختل سازد یا امنیت روابط کلان اقتصادی را خدشه‌دار کند، داخل در جرم اقتصادی خواهد بود مانند جرایم مرتبط با نظام پولی و ارزی، جرایم مرتبط با نظام تولید و توزیع، جرایم مرتبط با پرداخت مالیات، جرایم مرتبط با نظام صنفی.

۴. حکمرانی خوب

یکی از اصطلاحاتی که استفاده از آن در متون مربوط به توسعه و پیشرفت دولت‌ها در حال افزایش است و همواره به کار برده می‌شود، «حکمرانی خوب» یا «به‌زامداری» است. این اصطلاح مفهومی قدیمی است که در یک تعریف ساده به معنای «حُسن فرایند تصمیم‌گیری و جریان کارآمدی است که توسط آن اجرای تصمیم‌ها به نحو مطلوب رقم می‌خورد». همچنین متصف ساختن برخی دولت‌ها به حکمرانی بد با توجه به فقدان شاخصه‌های مد نظر و تعریف‌شده رو به تزاید است (دارابی، ۱۳۹۵: ۵۳).

حکمرانی دربردارنده آن دسته از فعالان رسمی و غیررسمی مشمول در فرایند تصمیم‌گیری است که اجرای طرح‌های برنامه‌ریزی‌شده توسط ساختارهای دولتی و غیردولتی را برای رسیدن به اهداف معین دنبال می‌کنند. بر این اساس دولت به عنوان یکی از مهم‌ترین فعالان حکمرانی است و سایر افراد مؤثر در زمامداری مانند سازمان‌های غیردولتی، نهادهای تحقیقاتی، رهبران و گروه‌های مذهبی، نهادهای مالی، احزاب سیاسی و... دارای نفوذ و قدرت نسبی هستند و به عنوان «سایر فعالان حکمرانی» محسوب می‌شوند.

براساس برنامه توسعه و پیشرفت سازمان ملل (UNDP)، اصول پنج‌گانه زمامداری خوب عبارت‌اند از: مشروعیت دولت و آزادی بیان و عقیده، مدیریت و رهبری، ایفای وظایف و تعهدات، قابلیت پاسخگویی و رعایت انصاف.

برخی دیگر از نویسندگان ضمن تأکید بر اینکه ضعف در به‌کارگیری و عملی کردن اصول و قواعد حکمرانی خوب، موجب تأخیر رشد اقتصادی و بروز زمینه‌های فساد می‌شود، اصول مذکور را با این عناوین بیان کرده‌اند: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، شکل‌گیری وفاق عمومی، حقوق مساوی (عدالت)، اثربخشی و کارآیی و مسئولیت‌پذیری (کرمانی و باسرخا، ۱۳۸۸: ۱۳۰-۱۰۹).

۵. نظریه‌های جرم‌شناسی اقتصادی

بزهکاری براساس وسیله مورد استفاده در ارتکاب جرم، به «خشونت‌آمیز» و «تزویرآمیز» تقسیم می‌شود که جرایم اقتصادی در دسته دوم قرار دارند. جرم‌شناسی در زمینه جرایم خشونت‌آمیز، مجموعه‌ای از نظریه‌ها را در اختیار دارد که با هدف پرداختن به جنبه‌های مختلف خشونت مجرمانه یا دست‌کم خشونت‌های فیزیکی عمدی، طرح‌ریزی شده است. این نظریه‌ها، از تحلیل‌هایی از نوع زیست‌شناسی (عوامل ژنتیکی، هورمونی یا عصبی) شروع و تا علت‌شناسی‌هایی از نوع جامعه‌شناسی، خرده فرهنگ خشونت و تفسیرهای متعدد روان‌شناسی ادامه پیدا می‌کند. اما، در ارتباط با جرایم مبتنی بر تزویر چنین نظریه‌هایی با این گستردگی و تعمق در ادبیات جرم‌شناسی وجود ندارد. نظریه‌های جرم‌شناسی اقتصادی موجود را می‌توان در دسته‌بندی‌های زیر قرار داد:

- «نظریه‌های تک‌عاملی» شامل نظریه عمومی تزویر، نظریه آنومی، نظریه فرصت، و نظریه شخصیت جنایی؛
- «نظریه‌های محیط اقتصادی» شامل نظریه نظم اجتماعی و نظم فردی و نظریه گایس؛
- «نظریه محیط اجتماعی»؛
- «نظریه‌های چندعاملی» شامل نظریه فونتان، نظریه کوراکیس و نظریه بائر.

علل جرایم اقتصادی

پس از چالش تعریف جرم اقتصادی، مهم‌ترین چالش پیش روی پیشگیری و حتی مبارزه با جرایم اقتصادی، شناسایی علل بروز این ناهنجاری است. تا علت و زمینه‌های بروز جرایم اقتصادی به درستی شناسایی نشود، تلاش برای کاهش یا کنترل این جرایم، نتیجه مورد انتظار را در پی نخواهد داشت. در این بخش، «عوامل فردی و شخصیتی مرتکبین» و شرایط، اوضاع و احوال یا به تعبیر جرم‌شناسی، فرصت‌هایی که موجب می‌شود بعضی از افراد بتوانند دیگران را فریب دهند یا از اعتماد سایر افراد یا سازمان‌ها به نفع خود سوءاستفاده کنند با عنوان «علل محیط داخلی و خارجی» و نیز عوامل فرهنگی و ساختار اقتصادی مؤثر در بروز جرایم اقتصادی در ایران توصیف شده است.

۱. عوامل فردی و ویژگی مرتکبین جرایم اقتصادی

شخصیت مجرم اقتصادی بر استفاده از زیرکی، زرنگی و هوش استوار است؛ که وی را به سمت بهره‌برداری یا سوءاستفاده به‌موقع از سادگی و زودباوری بزه‌دیدگان سوق می‌دهد. این گروه، در بسیاری از موارد به شکل سازمان‌یافته عمل می‌کنند و در این چارچوب در سایه اطلاعاتی که دارند از همه خلأهای نظام حقوقی و بازار بهره می‌برند.

مجرمین اقتصادی از نظر اجتماعی بسیار سازگار و منطبق با جامعه هستند و در کنار رهبران جرایم سازمان‌یافته، خطرناک‌ترین حالت از نظر درجه‌بندی چهارگانه استاندارد و شناخته شدن «حالت خطرناک» در جرم‌شناسی (یعنی وخیم‌ترین حالت) هستند. روش‌های رعایت هنجارهای اجتماعی و رفتار ظاهری مرتکبان جرم اقتصادی از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. در کشورهایی نظیر ایران، برخی از این مجرمین دم از درستکاری و قانون می‌زنند، از علل پیشرفت غرب و روراستی آنها دفاع می‌کنند اینان جایگاه ممتازی میان مردم می‌یابند و به مرور به الگوهای کارآفرینی و مدیریتی تبدیل می‌شوند؛ به طوری که نه مردم در عمق رفتار و پندارشان تفکر می‌کنند و نه ضابطان بر عملکرد آنها شک می‌کنند. مجرمان اقتصادی در ایران نه تنها از قانون آگاهی دارند، بلکه از چگونگی روابط بین افراد عالی‌رتبه نیز مطلع هستند و دقیقاً از همین راه سعی می‌کنند ظاهری صلاح‌گونه داشته باشند. حتی برخی از آنان قانون را به هیچ می‌انگارند. بر نهادهایی تکیه می‌کنند که گاهی از قانون مستثنی شده‌اند. یکی از ویژگی‌های مرتکبین جرایم اقتصادی که کمتر به آن توجه شده، باور و اعتقاد نداشتن به قانون است (البته برای تمکین از آن، نه برای بهره‌مندی از آن).

۲. علل محیط داخلی

الف) ضعف سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری قوه مقننه

مهم‌ترین کارکرد قوه مقننه، تدوین سیاست‌ها در سطح کلان و روشن کردن مسیر حرکت کشور به سوی اهداف برنامه‌ریزی‌شده است؛ از این رو سیاست‌گذاری در حوزه‌هایی نظیر صندوق‌های بازنشستگی، خصوصی‌سازی، مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی، فیلترینگ و کنترل رسانه‌های جدید، پذیرش ضوابط پولی بین‌المللی، بحران بانک‌ها، یارانه‌ها و ده‌ها مسئله کلیدی دیگر مصادیق متعدد از بحران سیاست‌گذاری در ایران هستند.

نظام اداره کشور در سال‌های اخیر از یک طرف سیاست‌هایی اتخاذ کرده است که زمینه‌ساز فساد بوده و از سوی دیگر در اتخاذ سیاست‌های ضد فساد هم قوی عمل نکرده است. برای مثال اعطای انواع یارانه‌های غیرمستقیم، نظام سهمیه‌بندی در حوزه‌های مختلف، فرایندهای متعدد و پیچیده مجوزدهی دولتی، خصوصی‌سازی صوری، انحصار و کنترل‌های قیمتی از دیگر مصادیق اقداماتی هستند که مساعدکننده شرایط برای بروز فسادند.

در حوزه قانون‌گذاری، در حقوق کیفری که سامان‌دهنده پاسخ‌های کیفری است، تعریف دقیق و به تعبیری جامع و مانع جرایم، از اهمیتی دوچندان برخوردار است و شفاف بودن تعاریف اهمیت بیشتری دارد. قوانین کیفری باید به نحوی تنظیم شود تا با عینی کردن مفاهیمی چون «اخلال» و وضع معیاری عینی موجب شود هم قضات در تشخیص اختلال و درجات آن دچار مشکل نشوند و هم متهمان قبل از ارتکاب جرم بدانند در صورتی که معیار قانونی را نقض کنند با مجازاتی چون مجازات جرم افساد فی الارض روبه‌رو خواهند شد و در نتیجه قانون مُد سلیقه‌گرایی نباشد.

در این صورت زرادخانه کیفری اثر بازدارنده خود را خواهد داشت و فرصت‌های ارتکاب جرم نیز به حداقل خواهند رسید. در حوزه جرایم اقتصادی، با مراجعه به قوانین ماهوی، به نظر می‌رسد قانون‌گذار علاوه بر عدم تعریفی دقیق از جرایم اقتصادی، در تعیین ضمانت‌اجراهای کیفری این جرایم شامل (اعدام، حبس بلندمدت، انفصال از خدمات دولتی، جزای نقدی و شلاق) سیاست واحدی ندارد و تشتت در این حوزه باعث شده است تا علاوه بر مشکلاتی که در حوزه جرم‌انگاری وجود دارد، اهداف مورد انتظار از پاسخ‌های کیفری ناظر به جرایم اقتصادی نیز تأمین نشود. با ملاحظه ضمانت‌اجراهای مذکور، مشخص می‌شود که قانون‌گذار در جرایمی که شباهت‌های زیادی با هم دارند، مجازات‌های متفاوتی وضع کرده است. از این رو، ضروری است با بازشناسی مصادیق جرایم اقتصادی، پاسخ‌های کیفری متناسب با آنها و هماهنگ با سایر جرایم اقتصادی را پیش‌بینی کند.

برای نمونه، تفاوت میزان مجازات حبس بلندمدت در قوانین مختلف مربوط به جرایم اقتصادی از جمله قانون مجازات اخلاگران (حبس از ۵ سال تا ۲۰ سال) و ماده ۴ قانون تشدید (حبس از ۱۵ سال تا ابد) مشاهده می‌شود. در برخی از جرایم مانند اختلاس نیز مجازات حبس از ۲ تا ۱۰ سال، در مورد ارتشا در مواردی حبس از ۵ تا ۱۰ سال، برای کلاهبرداری حبس از

یک تا ۷ سال و در کلاهبرداری مشدد، حبس از ۲ تا ۱۰ سال پیش‌بینی شده است. جزای نقدی ضمانت اجرایی است که به نظر می‌رسد با هدف بازدارندگی و شخصیت مرتکبان این جرایم تناسب بیشتری دارد و در غالب این جرایم پیش‌بینی شده است؛ هرچند در برخی جرایم مانند جرم مداخله کارکنان دولتی در معاملات دولتی تنها مجازات حبس از ۲ تا ۴ سال مقرر شده است. در مواردی که این ضمانت اجرا پیش‌بینی شده، عدم تناسب مشهود است. گاه «جزای نقدی معین» مانند ماده ۱ قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی (جزای نقدی از دو هزار ریال تا پانزده هزار ریال) است که طبیعتاً با گذشت زمانی حدود ۸۰ سال از تصویب این قانون، عملاً این مجازات هدف خود را از دست داده است. یا جرم موضوع ذیل ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی- تعزیرات که مجازات نقدی از ۳ تا ۳۰ میلیون ریال را دارد. گاه از «جزای نقدی نسبی» استفاده شده که مبلغ آن نسبتی با عواید ناشی از جرم است. در اینجا نیز مبانی متفاوتی وضع کرده است: این مبالغ یا معادل اموال ناشی از جرم است (مانند کلاهبرداری، ارتشا و اخذ پورسانت و پولشویی)^۱ و گاه این مبلغ دو برابر ارزش مال کسب شده است (مانند جرم اختلاس و بخش نخست ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی- تعزیرات). گاه این نسبت به ۷ تا ۱۰ برابر ارزش موضوع جرم نیز می‌رسد (مانند بند «ت» ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در خصوص کالای ممنوعه یا وارد کردن مشروبات الکلی موضوع ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی- تعزیرات که ملاک ۱۰ برابر را مقرر کرده است). در کنار مشکلات ماهوی قوانین جرایم اقتصادی، می‌توان به فرایند طولانی قانون‌گذاری مربوط به قوانینی که به طور غیرمستقیم می‌توانند موجب شفافیت و پیشگیری از جرایم اقتصادی شوند، اشاره کرد.^۲

ب) ضعف سیاست‌های اجرایی و اقدامات متزلزل قوه مجریه

علاوه بر سیاست‌گذاری کلان توسط قوه مقننه، دولت نیز می‌تواند در همه زمینه‌های اجرایی و در حیطه اختیارات خود، سیاست‌هایی اتخاذ و اجرا کند. اما آنچه در مرور کارنامه دولت‌های مختلف در کشور به چشم می‌خورد، ناتوانی و عدم موفقیت در این زمینه و رفتارهایی برای

۱- جزای نقدی جرم پولشویی تا قبل از اصلاح این قانون در ۹۷/۱۱/۱۰، به میزان یک‌چهارم عواید حاصل از جرم تعیین شده بود. بدیهی است این میزان مجازات نه تنها بازدارنده نبوده است بلکه می‌توان آن را مشوقی برای مرتکبان این جرم تلقی کرد.

۲- برای نمونه قانون پیشگیری از وقوع جرم که در ۱۳۸۴/۵/۹ به صورت لایحه در مجلس اعلام وصول شده است در ۱۳۸۸/۲/۱۵ به تصویب مجلس می‌رسد و به شورای نگهبان ارسال می‌گردد و در نهایت در ۱۳۹۰/۶/۷ به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع و پس از تصویب مجمع در ۱۳۹۴/۷/۲۰ از سوی مجلس به دولت ابلاغ می‌شود (هرچند تا کنون اقدام عملی از تشکیل شورای عالی پیشگیری و اجرای این قانون نیز مشاهده نشده است). همچنین می‌توان به طرح‌های «تشکیل سازمان مبارزه با مفساد اقتصادی» اعلام وصول شده در ۱۳۹۱/۱۲/۲، «مبارزه با جرایم اقتصادی» اعلام وصول شده در ۱۳۹۵/۳/۲۵ و «تشدید مبارزه با مفساد اقتصادی در دستگاه قضایی و سازمان تعزیرات حکومتی» اعلام وصول شده در ۱۳۹۵/۷/۱۲ که تا کنون به نتیجه نرسیده‌اند، به عنوان کارنامه قوه مقننه در سیاست‌گذاری پیشگیری از جرایم اقتصادی توجه کرد.

اخذ رأی در انتخابات بوده است. در حقیقت با ضعف در سیاست‌گذاری مناسب و حتی اتخاذ سیاست‌های اشتباه، اقتصاد کشور به خصوص در سال‌های اخیر عملکرد مناسبی نداشته است و سیاست‌های اتخاذشده در بخش‌های مختلف به خصوص سیاست‌های ارزی، پولی و بودجه‌ای فرصت‌هایی برای گسترش جرایم اقتصادی ایجاد کردند به گونه‌ای که تیترا هر روز روزنامه‌ها و رسانه‌های کشور عمدتاً به دستگیری متهمین یا افشای این جرایم اقتصادی اختصاص یافته است.

سیاست‌های اشتباه ارزی موجب شد تا قاچاق روندی افزایشی به خود بگیرد و حتی با تغییر مسیر، سیری معکوس پیدا کند. در وضعیت فعلی قاچاق به حدی گسترش پیدا کرده که به امری بدیهی تبدیل شده و غیر از بخش حامل‌های انرژی که به خارج از کشور قاچاق می‌شود، بسیاری از کالاها از آرد و مواد دارویی تا دام و زعفران هم قاچاق می‌شوند. عامل گسترش پدیده قاچاق، به مابه‌التفاوت یا شکاف زیادی برمی‌گردد که در بهای کالاهای اساسی در بازار آزاد، با بهای تمام‌شده آنها پس از دریافت ارز ۴۲۰۰ تومانی ایجاد شده و سودی بادآورده و رانتی را نصیب واردکنندگان کرده است.

این شرایط مانند آب گل‌آلودی است که مجرمان اقتصادی باهوش و آگاه از وضعیت موجود، می‌توانند از آن ماهی بگیرند و با اشراف از ناکارآمدی موجود و چالش‌های کشور، حتی زمانی که جرم‌شان کشف و اتهام‌شان در دادگاه به اثبات می‌رسد، نه تنها احساس شرمندگی و گناه نمی‌کنند، بلکه هنوز خود را فردی خادم و مؤثر می‌دانند.^۱

ج) برخورد ضعیف قوه قضاییه در سال‌های گذشته

در حوزه قضایی، افزون بر اطاله دادرسی که معضل اصلی نظام دادرسی ایران در برخورد با همه جرایم، به ویژه جرایم اقتصادی بوده است، مشکلاتی همچون اثبات جرم اقتصادی به دلیل عدم پذیرش اماره مجرمیت، یعنی معضل اثبات رکن معنوی (در حالی که برخی نظام‌های کیفری این جرایم را در زمره جرایم مادی صرف دسته‌بندی کرده‌اند؛ بنابراین مقام تعقیب از اثبات رکن معنوی بی‌نیاز است و متهم خود باید عدم سوءنیت خود را ثابت کند) بر مشکلات برخورد متناسب با این جرایم افزوده است.

۲- اشاره به اظهارات بابک زنجانی در جلسه دادگاه چهارشنبه اول خرداد ۱۳۹۸، «به زودی جای من و زنگنه (وزیر نفت) عوض می‌شود». همچنین اعتراض رضا حمزه‌لو، مدیر عامل سابق شرکت بازرگانی پتروشیمی و متهم ردیف اول این پرونده در دادگاه (۱۳۹۷/۱۲/۱۸): «شما باید به ما مدال بدهید که این ارز را نگذاشتیم به خارج از کشور برود».

مشکل دیگر در برخورد و رسیدگی به اتهام بزهکاران جرایم اقتصادی، چالش‌های تعقیب مجرمان پرنفوذ از مرحله اعلام شکایت، با واکنش جدی برخی مسئولان که خود را وام‌دار این‌گونه متهمان می‌دانند با توصیه‌ها، ارباب قاضی ۱ یا مأموران تعقیب یا تهدید شاکی شروع می‌شود. در مراحل تعقیب و احضار، بازداشت، تحصیل ادله و محاکمه، این چالش‌ها و دشواری‌ها ادامه دارد. علاوه بر آنها موارد زیر به عنوان سایر چالش‌ها مطرح هستند:

۱. تعدد مراجع قضایی صالح به رسیدگی به این‌گونه اتهامات و در نتیجه ایجاد اختلاف در صلاحیت؛

۲. همکاری نکردن برخی ضابطان دادگستری در امر تحقیقات و نیز دخالت ضابطان

متعدد؛

۳. ایجاد برخی موانع در روند رسیدگی به اتهام مسئولان در مراجع قضایی؛

۴. پیامدهای ناشی از صدور قرار بازداشت موقت برای این‌گونه متهمان؛

۵. پیامدهای ناشی از بروز برخی نگرانی‌ها میان نیروهای متخصص؛

۶. ایفای نقش مؤثر مدیران و مسئولان قضایی در تعقیب متهمان؛

۷. اخلال در امور اجرایی در صورت احضار یا بازداشت متهمان؛

۸. مصونیت نمایندگان و برخی مسئولان از تعقیب قضایی؛

۹. عدم رعایت تساوی افراد در برابر قانون (جعفری‌دولت‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱)؛

۱۰. عدم پرورش قاضی متخصص.

د) نقش سایر فعالان حکمرانی

در سطح ملی، علاوه بر قوای سه‌گانه، فعالان سیاسی، مؤسسه‌های مالی و اعتباری بین‌المللی و شرکت‌های چند ملیتی با عنوان «سایر فعالان حکمرانی» نیز داخل در مقام هستند و ممکن است هر یک به عنوان عامل مهم در فرایند تصمیم‌گیری محسوب شوند. بنابراین همه واجدین نقش و فعالان عرصه حکمرانی غیر از دولت (در معنای عام)، گروه‌هایی هستند که به عنوان بخشی از جامعه مدنی محسوب می‌شوند. در برخی کشورها علاوه بر جامعه مدنی، تشکیلات جرایم سازمان‌یافته و مافیایی شهری و ملی در تصمیم‌های اتخاذی مسئولان مؤثرند

۱. اسداله مسعودی مقام، قاضی پرونده‌های کلان اقتصادی نیز به این نوع تهدیدها اشاره کرده است (رک: همایش «بررسی قانون اخلال‌گران در نظام اقتصادی و ماده ۲۸۶ ق.م.ا و مقررات شکلی حاکم بر دادگاه‌های ویژه اقتصادی» و همچنین مصاحبه ایشان با شبکه یک صدا و سیما با عنوان «گپ و گفت خودمانی با قاضی پرونده‌های مفاسد اقتصادی»، خرداد ۱۳۹۸).

و ساختارهای رسمی دولتی را یکی از راه‌های مد نظر برای اعمال برنامه‌ها و تحقق هدف‌های خود می‌دانند که این امر می‌تواند یکی از شاخصه‌های منجر به فساد در زمامداری باشد (Nations United, 2009: 1).

در ایران نیز با قدری تعمق ملاحظه می‌شود در مورد چالش‌های بزرگ اقتصاد کشور از قبیل اصلاح نظام بانکی، اصلاح سیاست‌های ارزی، افزایش کارایی بودجه، اصلاح سیاست‌های تجاری و نظایر آن، به ظاهر اتفاق نظر در ضرورت اصلاح چالش‌ها وجود دارد، ولی در عمل برنامه‌های اصلاحی با موانع مواجه می‌شوند. یکی از موانع حل چالش‌های اقتصادی آن است که اصلاحات اقتصادی و حل چالش‌های بزرگ اقتصاد ایران که ریشه بسیاری از جرایم اقتصادی است، گرچه در بلندمدت منافع اکثریت جامعه را تأمین خواهد کرد، ولی به نظر می‌رسد شرایط موجود به علل مختلف ذی‌نفعانی نیز دارد که این مسئله موجب پایداری چالش‌ها شده است.

ساختارها و سیاست‌های اقتصادی موجود، به رغم تحمیل خسارت‌های بسیار به اقتصاد کشور، فراهم‌کننده منافع گسترده‌ای برای برخی گروه‌های ذی‌نفع است. این مسئله، اصلاح سیاست‌ها و ساختارهای اقتصادی و حل ریشه‌های شکل‌گیری چالش‌ها را با مانع جدی مواجه می‌کند. در این شرایط گروه‌های ذی‌نفع می‌توانند به شیوه‌های مختلف مانع پیشبرد این اصلاحات شوند و حتی احتمال دارد مسیر برنامه‌ها را نیز به طور کلی منحرف کنند.

طی چندین دهه گذشته، کسانی که در ادوار مختلف از جهش نرخ ارز بهره برده‌اند، کسانی که از سود ناشی از نگهداری دارایی‌ها بیش از ارزش افزوده ناشی از تولید منتفع شده‌اند، کسانی که امکان دسترسی به تسهیلات کلان بانکی بدون نگرانی از بازپرداخت آن را داشته‌اند، کسانی که از عدم شفافیت در قراردادهای دولتی بهره‌مند شده‌اند و حتی توده مردمی که با سپرده‌گذاری در مؤسسات غیرمجاز و بانک‌های مشکل‌دار بیش از درآمد حاصل از تلاش خود عایدی داشته‌اند، تمایلی به اصلاحات اقتصادی ندارند و به صورت غیرمستقیم، دانسته یا نادانسته از فرصت‌هایی که برای ارتکاب جرایم اقتصادی وجود دارد، دفاع می‌کنند.

۳. علل محیط خارجی - تحریم‌ها

علاوه بر «روابط خارجی» و «تجارت جهانی» که پیامدها و اثرگذاری‌های مهم و خاصی بر اقتصاد و بالطبع زمینه‌های بروز جرایم اقتصادی دارند، مهم‌ترین عامل اثرگذار خارجی، اعمال تحریم و ایجاد محدودیت‌ها بر اقتصاد ایران است. این عامل بدان علت در این پژوهش اهمیت دارد که بخش عمومی و خصوصی برای چرخش اقتصاد کشور ناچار است با به اصطلاح «دور زدن تحریم‌ها» اموری مانند صادرات و واردات را به شیوه‌های مختلف که البته خارج از عرف و مقررات معمول است، اداره کند. پیش‌نیاز یا بستر انجام این‌گونه اقدامات اقتصادی در مرحله اول، غیرشفاف‌سازی و زیر پا گذاشتن مقررات است و بالطبع، در برخی از این فرایندها، جرایم اقتصادی بروز خواهند کرد.

بر اساس گزارش معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی، تحریم‌های اقتصادی جز از کانال افزایش نرخ ارز، می‌تواند از طرق کاهش صادرات نفت، تأثیر بر صادرات غیر نفتی و محدودیت واردات بر تولید، مؤثر باشد. البته براساس همین گزارش، عوامل زمینه‌ای نیز در میزان اثرگذاری این محدودیت تأثیر گذارند.

«عوامل زمینه‌ساز تحولات اخیر در بسیاری از بازارهای اقتصاد ایران، در واقع، همان نقاط آسیب‌پذیری اقتصاد ایران هستند که در مورد آنها بحث‌های زیادی به صورت کارشناسی و عمومی صورت گرفته است. از جمله مهم‌ترین این عوامل می‌توان به حجم بالای نقدینگی، عدم تناسب رشد نقدینگی و نرخ تورم، مشکلات و شکنندگی سیستم بانکی و نرخ‌های بالای سود بانکی، رشد بالای بدهی‌های عمومی، وابستگی به نفت، وابستگی تولید به واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای، عدم تناسب روابط اقتصادی بین‌المللی و سیاست خارجی کشور، فساد، ضعف حاکمیت قانون و تنزل سرمایه اجتماعی اشاره کرد که هر یک به نحوی زمینه را برای بی‌ثباتی اقتصاد کشور فراهم کرده‌اند» (معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷: ۶).

به هر حال، دولت، بخش خصوصی و افراد ناچارند برای ادامه فعالیت‌های اقتصادی تحریم‌ها را دور بزنند و جز انجام فعالیت‌های غیررسمی که قابلیت ردیابی از طرف کشورهای تحریم‌کننده را نداشته باشد. هر میزان مراودات ما با سایر کشورها غیررسمی تر شود، طبیعتاً کنار گذاشتن مقررات بانکی، مقررات صادرات و واردات و ... بیشتر و احتمال بروز جرایم اقتصادی نیز بیشتر خواهد شد.

در شرایط تحریم ناچار شفافیت نیز پایین می‌آید. در غیاب روابط بانکی و عدم تراکنش‌های مالی قابل ردیابی، قاچاق نیز در کشور تسهیل می‌شود. حتی زمانی که پول‌های کلان در حساب‌های داخلی افراد به گردش درمی‌آید و به نظر برخی اقتصاددانان^۱، عمدتاً هم منشأ سالمی ندارند، نگرانی قاچاقچیان برای انجام مراودات مالی کاهش می‌یابد و خود به خود این مسئله رشد می‌کند؛ در نتیجه، شفافیت پایین و پول‌شویی بالا، با قاچاق گسترده قرین می‌شود. به نظر می‌رسد بسیاری از پرونده‌های جرایم اقتصادی در سال‌های اخیر متأثر از محدودیت‌های ایجادشده از طریق تحریم‌ها بوده است. تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات پوششی به نام افراد و حتی به نام شرکای خارجی، موجب از دست رفتن سرمایه‌های ملی و واریز درآمدهای کشور به حساب‌های شخصی شده است. از بارزترین مثال‌ها می‌توان به پرونده‌های اختلاس نفتی دو میلیارد دلاری، دکل نفتی ۱۲۴ میلیون دلاری، و پرونده پتروشیمی با بیش از شش میلیارد یورو اشاره کرد.

از منظر دیگر، علاوه بر مسائل سیاسی و زورگویی قدرت‌های جهانی در اعمال تحریم، «تبدیل شدن به کشوری آسان برای تحریم در اقتصادهای درهم‌تنیده امروز، بیشتر ناشی از دور ماندن از اقتصاد درون‌زا است؛ در حالی که یافته‌های علم اقتصاد و تجربیات بسیاری از کشورها در جهتی حرکت کرده است که با اتخاذ اقتصاد مقاومتی و درون‌زا اقتصادها غیرقابل تحریم شده‌اند»^۲.

۴. عوامل فرهنگی و ساختار اقتصادی

مشکلات ساختار اقتصادی موجب نااطمینانی در اقتصاد ایران شده و فضای مبهم ناشی از این نااطمینانی، فعالیت‌های اقتصادی در کشور را مختل کرده است؛ به طوری که از نظر برخی اقتصاددانان، چشم‌اندازی را نمی‌توان برای آینده اقتصاد ایران متصور بود و این شرایط موجب تشدید فرصت‌طلبی و سودجویی می‌شود. به نظر برخی اقتصاددانان ایرانی، ما در حوزه سیاست‌های کلان اقتصادی تفکر منسجمی نداریم یا دست‌کم در رفتار ما چنین انسجامی مشاهده نمی‌شود. یک جا بازارها را آزاد می‌کنند و در جای دیگر بازارها را می‌بندند؛ گاهی در بازار مداخله می‌کنند و گاهی منتقد شدید مداخله هستند. در واقع، هیچ رفتار اقتصادی

۱. رک: «گفت‌وگو با پدram سلطانی، نایب رئیس اتاق بازرگانی با عنوان «افزایش سطح قاچاق در ایران»، دنیای اقتصاد، اسفند ۱۳۹۷.

۲. رک: محبوبه داوری، «شراهه‌های تحریم»، تجارت فردا، س ۷، ش ۳۰۹، ۱۳۹۷، ص ۱۴۸.

منسجمی از سیاست‌گذاران (در بخش‌های مختلف حاکمیت) دیده نمی‌شود. در چنین شرایطی، فعال اقتصادی نمی‌تواند برای مثال، نسبت به نرخ ارز یا سیاست‌های تجاری در آینده پیش‌بینی‌ای داشته باشد؛ از این رو، یک وضعیت بزرگ نااطمینانی اقتصادی در کشور به علت همین عدم انسجام تفکر اقتصادی، در حال شکل‌گیری است که رفته رفته بزرگ‌تر نیز می‌شود. نااطمینانی همچون سیلی است که اصلاً نمی‌دانیم قرار است بیاید یا نه و در واقع نمی‌توان مدیریت ریسکی در قبال آن انجام داد. به عبارت دیگر، می‌توان با تنوع‌بخشی سرمایه‌گذاری، در برابر ریسک مقاومت کرد، اما در برابر نااطمینانی نمی‌توان چنین سیاستی را به کار برد؛ برای مثال، اگر بحران بانکی گریبان اقتصاد را بگیرد، همه را با خود خواهد برد.^۱ دولت‌های ما فاقد نظریه با ثبات اقتصادی هستند و اندیشه‌های ناصحیح و مضر برای اقتصاد، مرتباً بازتولید می‌شوند. این مسئله، مسئله فلان فرد یا فلان رئیس‌جمهور نیست و تقریباً عمومیت دارد. نهاد دولت، مستقل از اینکه کدام دولت باشد، در اقتصاد ایران فاقد نظریه است.^۲

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در راستای بخشی از وظایف خویش همواره اقدام به تهیه گزارش‌های مختلف در مورد وضعیت اقتصاد ایران می‌کند. این گزارش‌ها که با هدف بیان مهم‌ترین روندهای اقتصاد کشور، تحلیل سیاست‌های اتخاذشده توسط دولت و مجلس و ارائه چشم‌اندازی از سال‌های آتی تهیه می‌شوند، ضمن بیان چالش‌های موجود، گویای وضعیت نامناسب و نابسامان اقتصادی کشور در ابعاد سیاست‌گذاری و اجرا هستند.^۳ نتیجه آنکه، در چنین شرایطی علاوه بر توسعه رانت اطلاعاتی، کسانی که به منابع قدرت و تصمیم‌گیری نزدیک هستند، می‌توانند با اطلاع از تغییرات و شرایط آینده، اقدامات مهمی در حوزه‌های اقتصادی انجام دهند و سودهای سرشاری را نصیب خود و همکاران کنند و احتمال اینکه برخی از این اقدامات و فعالیت‌های اقتصادی پرونده‌های متورمی را در دستگاه قضایی ایجاد کند نیز وجود دارد.

۱. رک: مصاحبه با حسین جوشقانی با عنوان «سیاست‌گذار باید تکلیفش را با تفکر اقتصادی مشخص کند»، ویژه‌نامه دنیای اقتصاد، اسفند ۱۳۹۷، صص ۹۵-۹۴.

۲. رک: میزگرد دنیای اقتصاد با مسعود نیلی، محمد مهدی بهکیش، موسی غنی‌نژاد و احمد دوست حسینی با عنوان «فقدان نظریه وفور بسته»، ش ۳۰۹، ۱۳۹۷.

۳. رک: «گزارش اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۵»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اداره انتشارات و مجله، چاپ اول، ۱۳۹۶، صص ۲۰-۱۸ و «گزارش اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۶»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اداره انتشارات، چاپ اول، ۱۳۹۶، صص ۳۱۲-۳۱۱.

تحلیل عوامل بروز جرایم اقتصادی ایران در پرتو نظریه‌های جرم‌شناسی اقتصادی همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در حوزه جرایم مبتنی بر تزویر، نظریه‌های جرم‌شناختی محدودی مطرح شده است که عبارت‌اند از:

در گروه «نظریه‌های تک‌عاملی»، می‌توان «نظریه عمومی تزویر»^۱، «نظریه آنومی»^۲، «نظریه فرصت»^۳ و «نظریه شخصیت جنایی پیناتل»^۴ را نام برد.

در گروه «نظریه‌های محیط اقتصادی» که شاخه‌ای از جامعه‌شناسی کیفری است و بر این اساس استوار است که جرایم اقتصادی تحت تأثیر نظام اقتصادی حاکم ارتکاب می‌یابد، می‌توان «نظریه نظم اجتماعی و نظم فردی»^۵ و «نظریه گایس»^۶ را معرفی کرد.

همچنین از نظریه «محیط اجتماعی» که تأثیر محیط اجتماعی را علت بروز جرایم اقتصادی، هم در دوران رکود و هم در دوران شکوفایی اقتصادی می‌داند، می‌توان بهره برد.

در کنار نظریه‌هایی که ناظر بر محیط اقتصادی یا محیط اجتماعی هستند، نظریه‌های دیگری ارائه شده‌اند که جرم اقتصادی را نتیجه تعامل عوامل مختلف می‌دانند و در قالب

«نظریه‌های چندعاملی» قابل بررسی هستند. این نظریه‌ها نیز براساس مطالعات میدانی و بررسی پرونده‌های قضایی مجرمین اقتصادی و مصاحبه با مجرمین و بزه‌دیدگان جرایم اقتصادی

ارائه شده‌اند. در این گروه «نظریه فونتان»^۷، «نظریه کوراکیس»^۸ و «نظریه بائر»^۹ مطرح هستند. در این تحقیق پس از تطبیق همه نظریه‌های فوق با علل بروز جرایم اقتصادی که

در بخش دوم بیان شد، و نیز تطبیق با پرونده‌های «بانک سرمایه»، مؤسسات مالی «البرز ایرانیان»، «ولیعصر»، «فردوسی»، «آرمان»، «شرکت بازرگانی پتروشیمی»، «قربانعلی

فرخزاد»، «هدایتی دولابی» و «سالار آقاخانی»، این نتیجه حاصل شد که رهیافت‌های زیر هر یک تا حدی با شرایط موجود تطبیق دارند و می‌توانند پاسخگوی بخشی از چرایی عوامل بروز

جرایم اقتصادی در ایران از منظر جرم‌شناسی باشند:

یکی از اتهاماتی که در پرونده‌های جرایم اقتصادی بیش از سایر اتهامات به چشم می‌خورد

- 1 . Ruse
- 2 . Anomie
- 3 . Opportunity
- 4 . Pinatel

۵- این نظریه را خانم مری دلماس مارتی ارائه داده است.

- 6 . Geis
- 7 . Fontan
- 8 . Courakis
- 9 . Baer

«تحصیل مال از طریق نامشروع» است.^۱ این جرم شایع در اقتصاد ایران و حتی عنوان کلی اخلال در نظام اقتصادی به لحاظ شرایط ارتکاب و زمینه‌های آن، همخوانی زیادی با «نظریه فرصت» دارد. برخی از مقررات، سیاست‌ها، ساختارها و به خصوص شرایط تحریمی، فرصت‌های مناسبی برای مجرمین اقتصادی ایجاد کرده‌اند تا با ظاهری خدمتگزار دست به بزرگ‌ترین خیانت‌ها بزنند. قطعاً بدون وجود نوعی فرصت جنایی حتی حرفه‌ای‌ترین فرد بزهکار هم نمی‌تواند مرتکب جرم شود. وقتی افرادی وام‌های فوق‌العاده کلان از بانک‌ها اخذ می‌کنند و به تعهد خویش در پرداخت اقساط آن نیز عمل نمی‌کنند، یا زمانی که میزان فوق‌العاده‌ای ارزش دریافت و از فروش آن در بازار سود سرشاری کسب می‌کنند یا برخی از صنایع به قیمت بسیار اندک در فرایند واگذاری به بخش خصوصی به افرادی، در حقیقت، هبه می‌شود، زمانی که برخی از خدمتگزاران! عایدات ناشی از فروش سرمایه‌های کشور را که بخشی از آن معادل سرمایه‌گذاری توتال در فاز ۱۱ پارس جنوبی است،^۲ به حساب خود واریز و متهم به تحصیل مال از طریق نامشروع می‌شوند، نمی‌توانسته‌اند بدون بهره‌گیری از فرصت‌های ساختاری، قانونی و فساد در برخی سازمان‌ها، مرتکب چنین جرایم اقتصادی شوند.

دومین نظریه قابل انطباق با جرایم اقتصادی در ایران، نظریه «نظم اجتماعی و نظم فردی» دلماس مارتی است. با توجه به اینکه علل بزهکاری اقتصادی از منظر این نظریه، از یک سو، محیط اقتصادی و مالی است (که در کشور ما نیز سیاست، هدف و برنامه مشخصی ندارد و فاقد شفافیت لازم برای جلوگیری از ایجاد فرصت مجرمانه است) می‌تواند مطابق این نظریه، عاملی برای بروز جرایم اقتصادی در ایران باشد. از سوی دیگر، این رویکرد جرم‌شناختی، علل بزهکاری اقتصادی را در خود فرد نیز جست‌وجو می‌کند؛ به بیان دیگر، علاوه بر محیط اقتصادی و مالی، عاملی که باعث بروز جرایم اقتصادی می‌شود، شخصیت و عوامل فردی و انسانی است. با نگاهی به مجرمین پرونده‌های مطرح در قوه قضاییه نیز این دیدگاه تقویت می‌شود؛ زیرا مجرمین غالباً افرادی قدرت‌طلب و بسیار سودجو هستند که در مرحله دادرسی نیز حاضر به پذیرش خطاهای خود نیستند و هنوز ادعای خدمت به کشور را دارند؛ این در حالی است که بسیاری افراد از طبقات گوناگون اجتماع در همین شرایط و محیط اقتصادی و مالی دارای مسئولیت بوده و هستند و با داشتن امکان و فرصت، ذره‌ای از مسیر صحیح منحرف نشده و با کمال صداقت و امانت‌داری خدمت کرده‌اند. باید یادآوری کرد

۱- برای مثال همه ۱۴ متهم پرونده «پتروشیمی گیت» که شامل سه پرونده مهم است، متهم به «تحصیل مال از طریق نامشروع» هستند (رک: شرق، «متهمان جدید پتروشیمی گیت»، ش ۲۴۷۲، شنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۸، ص ۴).

۲- همان.

که مطابق نظریه نظم اجتماعی و نظم فردی، موقعیت اجتماعی بالای مرتکبین این جرایم و محیطی که در آن کار می‌کنند فرصت بیشتری برای ارتکاب جرایم اقتصادی فراهم می‌کند و رؤیت‌ناپذیری و عدم شفافیت چنین فعالیت‌هایی، خود عامل جرم‌زا تلقی می‌شود.

از «نظریه گایس» که به محیط اجتماعی و نیز حالت روانی مرتکبین این جرایم توجه دارد نیز می‌توان به عنوان سومین نظریه قابل انطباق با شرایط موجود یاد کرد؛ زیرا یکی از محورهای این رهیافت که بیان می‌دارد «محافل اقتصادی که با قدرت و حاکمیت ارتباط دارند، دارای یک خرده فرهنگ ابرقانونی یا فراقانونی هستند» با بسیاری از پرونده‌های جرایم اقتصادی (به خصوص مواردی که متهم؛ فرزند، داماد یا یکی از منصوبین وزرا، استانداران، نمایندگان مجلس یا مقامات دیگرند)، همخوانی دارد. شایان ذکر است، یکی دیگر از محورهای این نظریه که به بررسی روان‌شناختی مرتکبین جرایم اقتصادی می‌پردازد، حاکی از ضریب هوشی، سازگاری و جامعه‌پذیری بالای مرتکبین جرایم اقتصادی است که از این نظر نیز مغایرتی با وضعیت موجود ندارد.

آخرین نظریه‌ای که می‌توان ادعا کرد با جرایم اقتصادی در ایران و وضعیت موجود انطباق دارد و به نوعی، تکمیل‌کننده عوامل سایر نظریه‌های قبلی است، «نظریه بائر» است. این رهیافت علاوه بر ذکر عواملی همچون «ارتباط محافل اقتصادی با محافل قدرت و سیاست» و «موقعیت اجتماعی بزهکاران» بر عواملی مانند «فناوری» و «جهانی شدن» نیز تکیه دارد که به‌رغم تأثیر درخور توجه در بروز جرایم اقتصادی، از سوی سایر نظریه‌ها مطرح نشده است. همچنین، عامل «ضعف مبارزه با جرم اقتصادی یا سبک بودن نسبی ضمانت اجراهای این جرایم و تساهل و تسامح نسبت به بزهکاران اقتصادی» مطرح‌شده توسط این نظریه با وضعیت موجود (به خصوص تا پیش از سال ۱۳۹۷) تطابق دارد.

در پایان می‌توان تأیید کرد: «تمامی جرایم اقتصادی به نوعی مبتنی بر نیرنگ هستند؛ به این معنا که مجرم به نوعی تلاش می‌کند که خود جرم را مخفی کند. فریب و نیرنگ در این جرایم به سه شکل یا روش کلی انجام می‌شود: آرایش، همانندسازی و پنهان‌کاری» (بنسون و سیمپسون، ۱۳۹۱: ۲۹۵).

نتیجه‌گیری

آنچه از شرح و بررسی جرایم اقتصادی گذشت، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که علاوه بر آمار جرایم اقتصادی کشف‌شده در سال‌های اخیر، بسترها و عوامل بروز جرایم اقتصادی در ایران نه تنها از یک نوع و دسته نیستند، بلکه یک طیف گسترده از عوامل ناهمگون را تشکیل می‌دهند که از نبود سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، مسائل ریشه‌ای فرهنگی تا عوامل شخصیتی مجرمین اقتصادی، عوامل اثرگذار خارجی مانند (اعمال تحریم‌ها) و ضعف چشم‌گیر نظارت و کنترل را شامل می‌شوند.

بنابراین اگر ادعا کنیم که شرایط موجود، نه تنها با یک نظریه جرم‌شناسی، بلکه با یک مجموعه از نظریه‌ها نیز به طور کامل و دقیق قابل تطبیق نیست، سخنی گزافی نگفته‌ایم. شاید علت آن باشد که شرایطی که جامعه ما تجربه می‌کند، تا کنون توسط جرم‌شناسان به صورت یک مجموعه، تجربه و تحلیل نشده است. البته «نظریه فرصت»، «نظریه نظم اجتماعی و نظم فردی»، «نظریه گایس» و «نظریه بائر» هر یک تا حدی با شرایط موجود تطبیق دارند و می‌توانند پاسخگوی بخشی از چرایی عوامل بروز جرایم اقتصادی در ایران از منظر جرم‌شناسی باشند.

از سوی دیگر، هرچند جرایم اقتصادی (برای نمونه جرم پول‌شویی که با جرایم قاچاق مواد مخدر و سایر مواد ممنوعه ارتباط دارد)، امنیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور را به چالش می‌کشد، هیچ مالیاتی پرداخت نمی‌شود و با خارج کردن ارز و سایر منابع و ذخایر ملی، لطمه حیثیتی به کشور وارد می‌کند، بسیار خطرناک‌تر از جرایم عادی هستند و مصادیق این جرایم نیز در قوانین مختلف بیان شده است، ولی تعریفی از جرایم اقتصادی در قوانین و رویه قضایی ایران ارائه نشده و قانون خاصی هم به این جرایم اختصاص نیافته است. به هر روی با نیم‌نگاهی به مقوله رقم جرایم اقتصادی در جهان و تجربیات سایر کشورها، به نظر می‌رسد توسل به مجازات در جرایم اقتصادی نیز منتهی به کسب نتایج مورد انتظار نمی‌شود؛ بنابراین جامعه راهی جز اتخاذ رویکرد پیشگیرانه از مسیر تعیین سیاست جنایی متناسب، نخواهد داشت.

منابع فارسی

- آصفزاده، سعید (۱۳۹۴)، مبانی اقتصاد، چ ۷، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی قزوین.
- بنسون، مایکل ال، سیمپسون، سالی اس. (۱۳۹۱)، جرایم یقه‌سفیدی رویکردی فرصت‌مدار، ترجمه اسمعیل رحیمی نژاد، تهران: نشر میزان.
- بهره‌مند، حمید (۱۳۹۷)، «جرم اقتصادی در حقوق ایران؛ از تعریف تا پاسخ‌ها»، در: امیرحسین نیازپور، «به کوشش» سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی سیاست جنایی ایران در زمینه جرایم اقتصادی، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- توسلی زاده، توران (۱۳۹۲)، پیشگیری از جرایم اقتصادی، چ ۱، تهران: انتشارات جنگل.
- جعفری دولت آبادی، عباس (۱۳۹۰)، «تعقیب مجرمان یقه‌سفید و چالش‌های آن»، فصلنامه تعالی حقوق، ش ۱۳ و ۱۴.
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۸۸)، «پیشگیری از جرایم اقتصادی، از اقدام‌های قضایی تا اقدام‌های اجرایی»، در: محمد فرجیها و سید محمدحسین سرکشیکیان، «به کوشش» مجموعه سخنرانی‌های ارائه‌شده در نخستین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم، چ ۱، تهران: انتشارات معاونت آموزش ناجا.
- دارابی، شهرداد (۱۳۹۵)، پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی، چ ۱، نشر میزان.
- زراعت، عباس (۱۳۹۵)، حقوق کیفری اقتصادی، چ ۱، تهران: انتشارات جنگل.
- ساکی، محمدرضا (۱۳۹۳)، حقوق کیفری اقتصادی، چ ۳، انتشارات جنگل.
- عمید، حسن (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی عمید، چ ۳۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عنیری، موسی (۱۳۸۸)، «توسعه و هنجارهای گریز از قانون در ایران»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم با رویکرد جامعه‌شناختی، زیر نظر محمد فرجیها، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، چاپ اول.
- کرمانی، مجید و مهدی باسزا (۱۳۸۸)، «نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت»، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، ش ۸۶.
- گسن، ریمون (۱۳۹۳)، جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی، تحقیق و ترجمه شهرام ابراهیمی، چ ۳، تهران: نشر میزان.
- محتشم دولتشاهی، طهماسب (۱۳۸۱)، مبانی علم اقتصاد: اقتصاد خرد - اقتصاد کلان، چ ۱۶، انتشارات خجسته.
- معاونت پژوهش‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی، تحلیل تحولات اخیر اقتصاد ایران، مرداد

۱۳۹۷

- معاونت پژوهش‌های اقتصادی، اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۶، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی- اداره انتشارات، چاپ اول.
- معاونت‌های پژوهش اقتصادی، پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی مجلس، اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۵، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی- اداره انتشارات و مجله، چاپ اول.
- مهدوی پور، اعظم (۱۳۹۰)، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۸۸)، «قوه قضاییه در سنجه حکمرانی خوب»، دیپاچه در: غلامحسین آماده، نقش قوه قضاییه در فرایند کیفری، نشر دادگستر.
- نورزاد، مجتبی (۱۳۸۹)، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، چ ۱، تهران: انتشارات جنگل.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۳)، حقوق کیفری اقتصادی (جلد دوم جرایم علیه امنیت اقتصادی)، چ ۱، انتشارات جنگل.

منابع عربی

- احمد انور، محمد (۲۰۰)، الفساد و الجرایم الاقتصادية فی مصر، القاهرة: دارالعربیه للنشر و التوزیع.
- عبود السراج (۱۹۸۶)، شرح قانون العقوبات الاقتصادية فی التشريع السوری و المقارن، دمشق: مطبعة طربین.
- محمود داود، یعقوب (۲۰۰۱)، المسوولیه فی القانون الجنایی الاقتصادي، دمشق: دراسة مقارنة بین القوانين العربیه و القانون التونسي، الاوائل.

منابع انگلیسی

- Homes, Leslie, (2006), *Rotten States*, Duk University Press,
- Lindgrensven, A.K.E, (2001), *White – collar Crime Research: Old Views and Future Potential, Thinking about White – collar Crime*, the National Council for Crime Prevention, Sweden,
- Sjogren ,Hans and Skogh ,Groan ,(2004) *New Perspectives on Economic*

Crime, Edward Elgar Publishing limited.

- Tiedemann, Klaus, (1976), **Phenomenology of Economic Crime**, Council of Europe.

- United Nations, Economic & Social Commission for Asia & The Pacific (2009), **What Is Good Governance?**.

- Wright, Paul, (2001), **Crimes of Privilege, Readings in white Collar Crime**, Oxford University Press.